

فصلنامه‌ی علوم انسانی و اسلامی،

سال هفتم، شماره‌ی اول و دوم، زمستان و بهار ۱۳۸۷-۸

لباس شهرت

دکتر مهدی رهبر*

چکیده

پوشش و لباس از جمله عناوینی است که در فقه در موارد متعدد مورد توجه فقها قرار گرفته است. لباس‌هایی مثل لباس نمازگزار، لباس احرام، لباس مختص به زنان و مردان، لباس غضبی و ... در فقه مطرح و برای هر یک شرایط و احکامی بیان شده است.

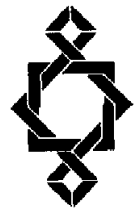
از جمله لباس‌هایی که به فتوای مشهور فقها پوشیدن آن بنا بر احتیاط واجب حرام می‌باشد لباس شهرت است. در این مقاله در باره‌ی مفهوم لباس شهرت و اقسام آن و مستندات حکم شرعی آن به بحث و بررسی پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها

لباس، ثياب (ثوب)، شهرت، مشهور، صیت، ذکر

* عضو هیئت علمی گروه فقه و حقوق دانشگاه شاهد تهران

دریافت مقاله: ۸۷/۷/۵؛ پذیرش نهایی: ۸۷/۸/۳۰



مقدمه

لباس دست کم پاسخ‌گوی سه نیاز آدمی است؛ یکی این‌که او را از سرما و گرما حفظ می‌کند. دیگر این‌که در جهت حفظ عفت و شرم به او کمک می‌کند و سوم این‌که به او آراستگی و وقار می‌بخشد.

در هر جامعه‌ای نوع و کیفیت لباس زنان و مردان علاوه بر آن‌که تابع شرایط اقتصادی و اجتماعی و اقلیمی آن جامعه است تابع جهان‌بینی و ارزش‌های حاکم بر فرهنگ آن جامعه نیز می‌باشد. انسان بسته به این‌که برای جهان چه معنایی قائل باشد، خود را چگونه موجودی بداند، چه سرنوشتی برای خود تصور کند و سعادت خود را در چه بداند لباس پوشیدنش تفاوت می‌کند.

در حیطه‌ی ارزش‌های اسلامی و فرهنگ دینی، پوشش و لباس، مشخصه‌ها و ویژگی‌های مخصوصی دارد و احکام مکرر و روشنی برای آن بیان شده است. فلسفه‌ی وجودی لباس و پوشش و این‌که چه لباسی شایسته‌ی مسلمان است و چه لباسی برای یک مسلمان زیننده نیست، جنس و رنگ لباس، اندازه و کیفیت آن، آداب لباس پوشیدن و ساده پوشی و... از جمله نکاتی هستند که در اسلام به آن‌ها اشاره شده است.

از دیدگاه اسلام اگر فلسفه‌ی وجودی لباس که به عنوان پوشش بدن و حافظ آن از سرما و گرما و آلودگی و موجب آراستگی و حفظ آبروی افراد است،^۱ کم‌رنگ و ضعیف شود موجب می‌شود که لباس تبدیل شود به وسیله‌ای برای تفاخر و تجمل و غرور و تکبر و اگر در جامعه‌ای ارزش‌های ظاهری و تعلقات مادی بدون لحاظ ارزش‌های درونی مدّ نظر قرار گیرد و موجب برتری و فضیلت شود زمینه برای انحطاط و انحراف جامعه از معیارهای اصیل انسانی و اسلامی فراهم می‌شود. شاید به همین دلیل باشد که خداوند در آیه‌ی ۲۶ سوره‌ی اعراف پس از بیان فلسفه‌ی وجودی لباس ظاهری بلافاصله به لباس تقوی به عنوان لباس درونی و باطنی انسان اشاره می‌کند و آن‌را بهتر و مهم‌تر از لباس ظاهری می‌داند: «لباس التقوی ذلک خیر» و معتقد است که لازم است به آن توجه و عنایت بیشتر شود البته اگر لباس ظاهر طبق شرایط و احکام اسلام و در مسیر تقوی و قرب الهی و در جهت صلاح و خیر استفاده شود چنین لباسی نیز نزد



خداوند با ارزش است و موجب کمال انسان می‌شود حتی اگر ظاهراً ارزشی نداشته باشد.

از نظر شارع مقدس، لباس‌های متعددی وجود دارند که پوشیدن آن‌ها جایز نمی‌باشد و لو این‌که در ظاهر، لباس‌هایی فاخر و با ارزش باشند لباس‌هایی مثل: لباس‌های غصبی که این نوع لباس حاصل هتک حرمت انسان‌ها و تجاوز به حقوق آن‌ها و تصرف در اموال دیگران بدون اذن آن‌ها می‌باشد و به همین دلیل اجازه استفاده از آن داده نشده است. لباس‌هایی که پوشیدن آن‌ها موجب تحریک جنسی در افراد جامعه می‌شود.

لباس مختص مردان که پوشیدن آن برای زن حرام است و بالعکس. لباس‌هایی که مختص به کفار است و پوشیدن آن‌ها موجب تشبیه به کفار و مستلزم تأثیرات منفی اجتماعی بر افراد و جامعه‌ی مسلمین می‌باشد. لباس شهرت که باعث اشتها و تشخیص فرد در بین امثال خود می‌شود. در این مقاله در سه بخش به بررسی و تحلیل مفهوم لباس شهرت و حکم شرعی پوشیدن انواع لباس شهرت به همراه ادله‌ی آن و نکاتی درباره‌ی لباس شهرت خواهیم پرداخت.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۱. تعریف لباس شهرت

۱.۱. لباس شهرت در لغت

لباس شهرت به عنوان یک ترکیب اضافی از دو کلمه‌ی «لباس» و «شهرت» تشکیل شده است. لباس از ریشه‌ی «لبس - یلبس - لبساً و لباساً» می‌باشد و هر آن‌چه را که موجب پوشش و ستر بدن و غیر آن شود را لباس نامیده‌اند.^۲ اگر شب به عنوان لباس معرفی شده^۳ و زن و شوهر به لباس برای یکدیگر تشبیه شده‌اند،^۴ به لحاظ معنای لغوی این کلمه بوده است چه این‌که شب به عنوان ساتر و پوششی برای روز، موجب اختفای روز از دید انسان‌ها می‌شود. همین‌طور زوج و زوجه لازم است ساتر عیوب و حافظ آبرو و شخصیت یکدیگر باشند.



کلمه‌ی شهرت از ماده‌ی «شَهْر- یشَهْر- شهرأ و شهره» می‌باشد و در معانی ذیوع و شیوع، بالا آمدن و ظهور و بروز و وضوح و آشکار شدن به کار رفته است.^۵ به عبارتی می‌توان گفت کسی یا چیزی که شهرت پیدا می‌کند گویا از بین امثال خود بالا آمده و بروز و ظهور بیشتری پیدا می‌کند و این موجب می‌شود که از دیگران متمایز شده و در نتیجه توجه بیشتری به آن معطوف شود و دیگران آوازه و نام او را بشناسند و بدین وسیله نزد دیگران شناخته شده و معروف شود.

کلماتی مانند صیت^۱ و ذکر^۷ نیز در معنای شهرت به کار رفته‌اند. نقطه‌ی مقابل شهرت، خمول است به معنای مخفی و غیر آشکار و حامل الذکر به غیر مشهور اطلاق می‌شود.^۸

با توجه به معنای لغوی این دو کلمه می‌توان گفت که لباس شهرت به پوششی اطلاق می‌شود که موجب بروز و تمایز فرد از دیگران و جلب توجه بیشتر به او می‌شود. جلب توجه دیگران می‌تواند به دلیل غیر متعارف بودن لباس از نظر جنس لباس یا دوخت یا رنگ یا نوع به تن کردن لباس یا مندرس بودن یا بسیار فاخر بودن و... باشد. بنابراین هر لباسی به هر دلیلی اگر موجب جلب توجه بیشتر و تمایز فرد از اطرافیان^۹ شود می‌تواند تحت عنوان لباس شهرت قرار گیرد.

۲،۱. لباس شهرت در اصطلاح فقهی

در متون فقهی و عبارات فقها وقتی صحبت از لباس شهرت شده فی‌الجمله معنای لغوی آن مدّ نظر قرار گرفته است و آنچه غالباً به عنوان لباس شهرت معرفی شده لباس شهرتی است که پوشیدن آن حرام است. این لباس شهرت علاوه بر معنای لغوی دارای قیود و مشخصه‌هایی است که باعث شده پوشیدن آن مورد نهی واقع شود که در مبحث مربوط به لباس شهرت حرام به تفصیل در مورد آن صحبت خواهیم کرد.



۲. حکم پوشیدن لباس شهرت

پوشیدن لباس شهرت (به معنای لغوی آن) همان‌طور که برخی از فقها به آن تصریح کرده‌اند^۱ گاهی حرام است و گاهی جایز.

۱،۲. تعریف لباس شهرت حرام

لباس شهرت اگر موجب ترتب مفسده شخصی یا اجتماعی شود به نحوی که پوشیدن آن یا اصلاً مصلحتی برای آن متصور نباشد یا در صورت تصور، مصلحت آن آنقدر ناچیز باشد که در قبال مفسده‌ی آن، غیر قابل اعتنا و در حکم عدم باشد پوشیدن آن، حرام است و به چنین لباسی لباس شهرت حرام گویند.

۱،۱،۲. دلائل حرمت

۱،۱،۱،۲. روایات

۱. کلینی در کافی این روایت را نقل می‌کند:

عن محمد بن مسلم عن عبدالرحمن بن سالم عن مفضل بن عمر «قال: قلت لابی عبدالله (ع) أخبرنی جعلت فداک لم حرّم الله تبارک و تعالی الخمر و المیته و الدم و لحم الخنزیر؟ فقال (ع): إن الله سبحانه و تعالی لم یحرّم ذلک علی عباده و أحلّ لهم سواه رغبه منه فیما حرّم علیهم و لازهداً فیما أحلّ لهم و لکنه خلق الخلق و علم عزّ و جلّ ماتقوم به ابدانهم و ما یصلحهم فأحلّه لهم و أباحه تفضلاً منه علیهم و علم ما یضرهم فنهاهم عنه رحمه علیهم»^۱

مفضل بن عمر می‌گوید: «از امام صادق (ع) پرسیدم فدایت شوم چرا خداوند استفاده از شراب و مردار و خون و گوشت خوک را تحریم نموده است؟ آن حضرت فرمود: آنچه را خداوند بر بندگان حلال یا حرام کرده به خاطر میل به محرّمات و بی‌رغبتی به حلال‌ها نبوده بلکه خداوند که مردم را آفرید و می‌دانست قوام بدن آنان به چیست و چه چیزی به صلاح آنان است آن‌ها را حلال نمود و آنچه به ضرر بندگان بوده را دانسته و از روی رحمت بر آنان حرام نموده است.»

۲. عن علی بن العباس عن القاسم بن الربیع عن محمد بن سنان «أن



ابوالحسن علی بن موسی الرضا (ع) کتب الیه ... انا وجدنا أن ما أحلّ الله ففیه صلاح العباد و بقاؤهم و لهم الیه الحاجه و وجدنا المحرم من الاشیاء لاحاجه بالعباد الیه و وجدناه مفسداً»^{۱۱}

امام رضا (ع) در جواب محمد بن سنان می‌نویسد: «هر موردی که به صلاح بندگان و مورد نیاز آنان باشد از طرف شارع، محکوم به حلیت شده و هر چه موجب فساد شود و مورد نیاز نباشد حرام شمرده شده است».

این دو روایت که اصل مسلم تبعیت احکام شرعی از مصالح و مفاصد را مورد تأیید قرار می‌دهد حرمت لباس شهرت در فرضی که پوشیدن آن با مفسده همراه باشد را ثابت می‌کند.

۲،۱،۱،۲. شهرت میان فقها

مشهور فقها قائلند که پوشیدن چنین لباسی به دلیل مفاصدی که بر آن مترتب می‌شود حرام است.

مفاصدی که بر پوشیدن لباس شهرت می‌تواند مترتب شود متعدد است که ضمن نقل اقوال فقها در این زمینه به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. برتری جویی

این‌که در روایت بیان شده که خداوند صاحب لباس شهرت را در آخرت لباس مذلت و خواری بر تنش می‌کند مختص می‌شود به کسی که با شهرتش بر ضعیفان برتری می‌جوید و نفعی به آن‌ها نمی‌رساند بلکه به آن‌ها می‌فهماند که خوار و ذلیل هستند پس خداوند نیز از جنس عمل این فرد، وی را مجازات می‌کند و او را در آخرت ذلیل و خوار می‌کند همان‌طور که او در دنیا بندگان خدا را خوار می‌نمود.^{۱۲}

۲. ریا و خودنمایی و فخر فروشی

منظور از لباس شهرت، لباسی است که پوشیدن آن به قصد ریا و خودنمایی و نمایان کردن زینت و داشتن پوششی که هیچ‌کس آن پوشش را ندارد می‌باشد تا بدین وسیله مشهور شود و به مردم بفهماند که از دیگران برتر و زاهدتر است و قصد او از این کار این است که بین مردم به خوبی و خوشنامی



معروف شود گرچه لباسی که پوشیده، وصله‌دار و مندرس باشد.^{۱۲}

۳. ننگ و رسوایی و نقص

در شرایط لباس نمازگزار آمده است: هفتم، از جهت پوشش، حرام نباشد مانند پوشیدن لباس مردان برای زنان و برعکس و نیز لباس شهرتی که به حد نقص و ننگ و رسوایی برسد. حاصل آن‌که هر پوششی که به وجهی از وجوه متصف به حرمت شود بنابر اقوی نماز با آن صحیح نمی‌باشد.^{۱۴}

۴. هتک حرمت و بی‌آبرویی و خوارشدن

۱،۴. پوشیدن لباس شهرت اگر مستلزم هتک حرمت و بی‌آبرویی فرد شود حرام است.^{۱۵}

۲،۴. پوشیدن لباس شهرت حرام است و آن لباسی است که مؤمن را نزد مردم، زشت و بدنما و زنده نشان می‌دهد و دلیل حرمت لباس شهرت این است که بر مؤمن حرام است آبروی خود را ببرد و موجب خواری و ذلت خود نزد دیگران شود.^{۱۶}

۳،۴. لباس شهرت لباسی است که جنس یا رنگ یا کیفیت دوخت آن نسبت به کسی که می‌خواهد آن را بپوشد غیر متعارف است و موجب هتک حرمت او می‌شود.^{۱۷}

۴،۴. بنابر احتیاط واجب باید انسان از پوشیدن لباس شهرت که پارچه یا رنگ یا دوخت آن برای کسی که می‌خواهد آن را بپوشد معمول نیست و موجب هتک و موهون بودن است خودداری کند.^{۱۸}

۵. خلاف شأن و شخصیت فرد

لباس شهرت لباسی است که با شأن کسی که آن را پوشیده منافات دارد و برخلاف پوشش معمولی است.^{۱۹}

۶. انحطاط اخلاقی جامعه

عرضه‌ی هر لباسی که زمینه‌ی فساد جوانان و انحطاط جامعه و سلب مصونیت اخلاقی عموم را فراهم کند جایز نیست.^{۲۰}





با استناد به صریح اقوال فقها می‌توان نتیجه گرفت که پوشیدن لباس شهرتی حرام است که موجب هتک حرمت و خواری فرد و اهانت به شخصیت و شأن وی شود و زمینه را برای شیوع فساد در جامعه و ریاکاری (خصوصاً در مورد پوشیدن لباس‌های مندرس و کهنه) و عجب و تکبر و افتخار و به رخ دیگران کشیدن و شکستن قلب فقرا و پایین دستان فراهم آورد.

چنین شهرتی مسلماً مذموم است و روایاتی که از معصومین (ع) در مذمت لباس شهرت وارد شده ناظر به چنین شهرتی می‌باشد؛ به عنوان نمونه به چند روایت در این زمینه اشاره می‌کنیم:

امام صادق (ع) می‌فرماید: «همانا خداوند از شهرت در لباس نفرت دارد».^{۲۱} آن حضرت در روایتی دیگر فرموده‌است: «برای انسان از نظر تنگ و بدن‌امی کافی است که لباسی بپوشد یا مرکبی سوار شود که او را مشهور کند».^{۲۲}

امام حسین (ع) می‌فرماید: «هر کس لباسی بپوشد که او را مشهور کند خداوند در روز قیامت لباسی از آتش بر تن او می‌کند».^{۲۳}

امام رضا (ع) می‌فرماید: «کسی که خود را در عبادت مشهور سازد در عبادت و دینداری او تردید کنید همانا خداوند از شهرت در عبادت و لباس کراهت دارد».^{۲۴}

امام صادق (ع) فرموده‌است: «اگر می‌توانی کاری کنی که شناخته و معروف نشوی پس آن را انجام بده».^{۲۵}

شارح کافی ذیل این حدیث می‌نویسد:

«در این روایت ترغیب به گوشه‌گیری تا حد امکان شده است، زیرا موجب رهایی از آفات دینی و دنیایی می‌شود و در شهرت آفاتی است که فقط کسانی از شر آن در امانند که خداوند آن‌ها را مصون بدارد».^{۲۶}

روایات فوق گرچه هم شامل شهرت مذمومه و هم شهرت محموده یا مجاز می‌شود لکن به ضمیمه‌ی ادله‌ی نقلی و عقلی که در مبحث آتی تحت عنوان لباس شهرت مجاز بیان می‌داریم این اطلاق به لباس شهرت حرام و غیر مجاز، مقید می‌شود.

۲،۲. تعریف لباس شهرت مجاز

اگر پوشیدن لباس شهرت، مقرون به مصلحت باشد و مفسده‌ای بر آن مترتب نشود یا اگر مفسده‌ای دارد مصلحت پوشیدن آن بر مفسده‌ی آن غلبه داشته باشد در این صورت پوشیدن چنین لباسی جایز است.

لباس شهرت اگر موجب احیای ارزش‌ها و سنن اسلامی از جمله ساده‌زیستی، زهد، تقوی و... شود و باعث نفوذ کلام حق و تعمیق اثربخشی کردار و گفتار صاحب لباس در جهت تبلیغ دین شود و آفاتی مثل خود بزرگ بینی، غرور، تکبر و تحقیر دیگران را به همراه نداشته باشد مسلماً پوشیدن چنین لباسی جایز است، چرا که مصالح مهمی بر پوشیدن آن مترتب است که مفسد نادر و جزئی در کنار آن‌ها قابل لحاظ و اعتنا نمی‌باشد.

صاحب کتاب *المجازات النبویه* در زمینه‌ی لباس شهرت مجاز می‌گوید:

کسی که در دنیا به حق لباس شهرت می‌پوشد مثل دانشمندی که برای اهل و وطنش مفید و سودرسان است و با عملش به دنبال برتری جویی نیست و دانشمندان دیگر و افراد نادان را تحقیر نمی‌کند یا مثل فرماندهی شجاع نظامی که در صحنه‌های نبرد پیروز می‌شود و بر دیگران برتری نمی‌جوید بلکه معتقد است که پیروزی از جانب خداست و با اشتیاق فراوان در جهت نفع ضعیفان و خوارنشدن آن‌ها قدم برمی‌دارد چنین کسی را خداوند در آخرت لباس عزت می‌پوشاند.^{۲۷}

مرحوم محمد صالح مازندرانی در شرح اصول کافی می‌گوید:

شهرت ناشی از اموری که در آن‌ها صلاح و مصلحت وجود دارد و اظهار آن‌ها برای مشهور شدن، امری مطلوب است لکن به شرط این‌که اظهار آن‌ها به قصد خودنمایی و خوش‌نامی نباشد بلکه به انگیزه‌ای صحیح مثل این‌که دیگران از او تبعیت کنند و خود را از نسبت‌های ناروا مثل فسق مصون بدارد و مانند این‌ها باشد.^{۲۸}

۱،۲،۲. دلایل جواز

پوشیدن لباس شهرت با شرایطی که بیان شد به تأیید عقل و نقل جایز و





بلاشکال است.

۱،۱،۲،۲. آیات قرآن

با دقت در برخی آیات می‌توان استنباط کرد که شهرت با مشخصه‌هایی خاص و به نحو موجهی جزئیة مورد تأیید شارع می‌باشد و منعی از آن وجود ندارد.

در آیه ۴ سوره‌ی انشراح خداوند خطاب به پیامبرش (ص) می‌فرماید: «و رفعلک نکرک» یعنی «نام و آوازه‌ی (نیکوی) تو را بلند کردیم»؛ مسلماً بلند آوازه کردن نام پیامبر که نماد و سمبل مکتب اسلام و تعالیم الهی است موجب جلب توجه دیگران و شهرت پیامبر می‌شود شهرتی که زمینه‌ساز گسترش و شیوع تعالیم اسلام در بلاد مختلف می‌شود. این شهرت که جز خیر بر آن مترتب نیست جایز و مورد تأیید شارع می‌باشد.

در آیه ۹۶ سوره‌ی مریم می‌خوانیم: «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن وداً» یعنی «همانا آنان که به خدا ایمان آوردند و نیکوکار شدند خدای مهربان آن‌ها را در نظر خلق محبوب گرداند».

مسلماً کسی که محبوب دیگران واقع شود توجه دیگران به او جلب می‌شود و نام او نزد دوست‌دارانش، مشهور و معروف می‌شود این شهرت چون با عنایت الهی و در مسیر کمال و فلاح انسان و بر اساس ایمان و عمل صالح و تقوی حاصل شده، پسندیده و مطلوب می‌باشد.

۲،۱،۲،۲. روایات

در روایتی از پیامبر (ص) نقل شده که فرمود: «تا می‌توانید خود را از هم و غم دنیا رها سازید؛ همانا کسی که با قلبش به خدا روی آورد خداوند قلوب بندگان را با دوست داشتن و لطف و محبت به او مطیع او می‌سازد و خدا نسبت به چنین کسی از همه سریع‌تر خیر می‌رساند».^{۲۹}

در روایت محمد بن سنان از قول امام رضا (ع) (که ضمن ادله‌ی مربوط به لباس شهرت حرام بیان شد) به وضوح به حلیت هر آنچه دارای مصلحت است



اشاره شده است و واضح است که لباس شهرتی که مفسده‌ای بر پوشیدن آن مترتب نباشد پوشیدن آن بر اساس این روایت، شرعاً جایز است.

۳،۱،۲،۲. دلیل عقل

قاعده‌ی عقلی تقدیم اهم بر مهم که در باب تزاحم مصالح مورد استناد قرار می‌گیرد، در واقع بیان‌گر لزوم رعایت مصلحت اهم در تزاحم مصالح می‌باشد، لذا اگر مصلحت پوشیدن لباس شهرت از مصلحت نپوشیدن آن اقوا باشد لازم است که مصلحت اهم رعایت شود و در این صورت نیز به حکم عقل که بالمالزمه حکم شرع نیز از آن بهدست می‌آید پوشیدن لباس شهرت بلاشکال است.

با عنایت به فحوای این ادله می‌توان گفت که برخی از انواع شهرت بر مبنای ملاک‌هایی خاص، مطلوب شارع می‌باشند؛ بنابراین پوشیدن لباس شهرت نیز که یکی از طرق مشهور شدن است اگر در جهت صلاح و خیر و بر اساس ملاک‌های مطلوب شارع باشد جایز بلکه ممدوح می‌باشد.

۳،۲. انواع لباس شهرت مجاز

وقتی صحبت از لباس شهرت مجاز می‌کنیم منظور از جواز، جواز بالمعنی الاعم می‌باشد؛ یعنی لباس شهرت غیر حرام، بنابراین ممکن است گاهی پوشیدن لباس شهرت، واجب باشد و گاهی مستحب یا مکروه یا مباح که این احکام به تبع جوامع مختلف و مقتضیات زمان و مکان تغییر می‌کند و نمی‌توان برای تمامی ازمنه و امکانه حکم واحدی بیان نمود.

مسئلاً در شرایطی که مفسده‌ی اِضاعه‌ی احکام دین و اِحيای باطل و خرافات و انحراف مردم از معیارهای اصیل اسلامی وجود دارد پوشیدن لباس شهرت اگر مانع از این مفسد باشد واجب و لازم است.

اگر پوشیدن لباس شهرت، مفسدی را که بر لباس شهرت حرام مترتب می‌شود به همراه نداشته باشد و موجب اشاعه‌ی فرهنگ نظم، نظافت و پاکیزگی و ساده پوشیدن در دیگران شود می‌تواند از موارد استحباب پوشیدن لباس شهرت محسوب شود.

لباس شهرت اگر خوف و احتمال ابتلا به غرور، تکبر، ریا، عجب و لغزش





از مسیر حق و دوری از مکارم اخلاق را در فرد ایجاد می‌کند پوشیدن آن مکروه می‌باشد. واضح است که هر مقدار درجه‌ی احتمال ابتلا به این مفاسد بیشتر شود شدت کراهت افزوده می‌شود تا در نهایت به حد حرمت می‌رسد.

۴،۲. کراهت پوشیدن لباس شهرت مجاز

اگرچه پوشیدن لباس شهرت مجاز، اشکالی ندارد لکن توجه به این نکته که از مضمون برخی روایات نیز مستفاد است لازم است که شهرت و مشهور شدن حتی شهرت مجاز، لغزش‌گاهی است که غالباً افراد در آن دچار لغزش و انحراف می‌شوند مگر کسانی که دارای ایمان قوی و ارتباط مستحکم با خالق هستی هستند که این عده با عنایت و مدد الهی می‌توانند از این لغزش‌گاه به سلامت خارج شوند.

چه بسیار افرادی که در بدو امر به قصد خیر و قربه الی الله موجبات شهرت را برای خود فراهم آورده ولی همین که به شهرت می‌رسند به دلیل ضعف ایمان و تزلزل شخصیت، از مسیر حق منحرف شده و زمینه ساز تحقق مفاسد مختلفی برای خود و جامعه می‌شوند؛ لذا گرچه در ظاهر ممکن است شهرت بر اساس نیاتی مطلوب و ملاک‌هایی صحیح حاصل شود و به همین اعتبار در حیطه‌ی شهرت خیر قرارگیرد لکن چون غالباً این شهرت در عملکرد افراد مشهور اثرات سوء بر جای می‌گذارد اجتناب از آن سفارش شده و حتی در بعضی موارد به تبع شدت و کثرت لغزش‌هایی که فرد مشهور پیدا می‌کند موجب داخل شدن وی در آتش جهنم می‌شود.

در روایتی نبوی نقل شده که آن حضرت فرمود:

برای انسان از نظر گناه همین کافی است که دیگران با انگشت به او اشاره کنند. گفتند: ای پیامبر خدا حتی اگر این انگشت نما شدن در جهت خیر باشد؟ فرمود: اگر در جهت خیر باشد برای فرد مشهور، شرّ است مگر کسی که مورد رحمت الهی واقع شود و اگر در جهت شرّ باشد که شرّ است.^{۲۰}

امام صادق (ع) در زمینه‌ی شهرت می‌فرماید: «شهرت، خوب و بدش موجب ورود در آتش جهنم است».^{۲۱}



بنابراین غیر از اجتناب از شهرت‌های حرام، حتی الامکان بهتر است از شهرت‌های مجاز نیز دوری شود مگر آن‌که مصلحت لازمه‌ای در میان باشد که در این مورد لازم است فرد با استمداد از خداوند و توکل بر او پای در این راه نهد و مسلماً خداوند نیز در جهت خیر او را تأیید خواهد کرد.

۳. نکاتی در باره‌ی لباس شهرت

۱،۳. لباس شهرت که از جمله لباس‌های غیر متعارف محسوب می‌شود به تبع عرف جوامع مختلف، متغیر است و تابعی از مقتضیات زمان و مکان می‌باشد. چه بسا لباسی در جامعه یا شهری یا در برهه‌ای از زمان، لباس غیر متعارف محسوب شود اما همان لباس در مکان یا زمانی دیگر لباس متعارف محسوب شود، لذا تشخیص و قضاوت عرف نسبت به وجود مشخصه‌های لباس شهرت بسیار مهم و تعیین کننده می‌باشد.

در روایتی که از امام صادق (ع) نقل شده نکته‌ی فوق به خوبی بیان شده است:

حماد بن عثمان می‌گوید: «مردی به امام صادق (ع) گفت: شما فرمودید که حضرت علی (ع) لباس زبر و ارزان قیمت می‌پوشیدند حال شما چرا لباس نو بر تن کرده‌اید؟ حضرت جواب دادند: علی (ع) در زمانی آن لباس را می‌پوشید که پوشیدن آن غیر متعارف و منکر نبود و اگر در آن زمان لباسی دیگر می‌پوشید مشهور می‌شد؛ پس بهترین لباس در هر زمان لباسی است که اهل آن زمان می‌پوشند (و متعارف بین مردم است)».^{۳۲}

۲،۳. لباس شهرت هم شامل لباس‌های بسیار فاخر (طرف التحسُّن) و هم شامل لباس‌های مندرس و کهنه (طرف التخشُّن) می‌شود، چرا که معیار لباس شهرت، غیر متعارف بودن و تمایز از دیگران و جلب توجه اطرافیان است که این ملاک هم می‌تواند در لباس‌های فاخر و هم در لباس‌های مندرس وجود داشته باشد و چه بسا که فساد لباس‌های مندرس بالاتر از لباس‌های فاخر باشد، زیرا مکائد نفس بسیار دقیق است همین‌که کسی خود را از نوع خود ممتاز می‌بیند به این‌که خود لباس خشن و کرباس پوشیده و دیگران لباس‌های نرم و لطیف پوشیده‌اند از معایب خود به واسطه‌ی حب به خود غفلت می‌کند و خود را برتر از



دیگران می‌داند.

البته پوشیدن لباس خشن و مندرس اگر به قصد ساده زیستی و اشاعه‌ی فرهنگ قناعت و در جهت مبارزه با امیال درونی باشد و مفسد شهرت حرام بر آن مترتب نشود پسندیده و مطلوب است و شهرت حاصل از آن از جمله شهرت‌های مجاز می‌باشد.

۲،۲. با توجه به معنای لغوی کلمه‌ی لباس و با توجه به این‌که این کلمه در روایات مربوط به لباس شهرت به صورت مطلق به کار رفته می‌توان گفت که لباس شهرت شامل هر چیزی است که تلبس و پوشیدن بر آن صدق کند و فقط اختصاص به پیراهن یا شلوار ندارد بلکه شامل کفش، کلاه، دامن، روسری، مقنعه، جوراب، مانتو و ... می‌شود.

۴،۲. طبق فتوای مشهور فقها، پوشیدن لباس شهرت (لباس شهرت حرام) چه برای مرد و چه برای زن بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.^{۳۳}

نتیجه‌گیری

لباس که می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای مهم انسان باشد اگر از مسیر متعارف خود خارج شود موجب بروز مفسد و ناهنجاری‌های مختلف در فرد و جامعه می‌شود به همین دلیل است که در فقه اسلامی در مواردی از پوشیدن و استفاده از بعضی لباس‌ها نهی شده است.

لباس شهرت یکی از لباس‌هایی است که در فقه در مورد آن صحبت شده و حکم آن بیان شده است.

لباس شهرت به عنوان هر پوششی که موجب ظهور و بروز و تمایز فرد از دیگران و جلب توجه آنان می‌شود پوشیدن آن گاهی حرام است و گاهی جایز که این حرمت و جواز به تبع مفسده یا مصلحتی است که بر پوشیدن این لباس مترتب می‌شود. این امر مطابق است با اصل مسلم تبعیت احکام شرعی از مصالح و مفسد که در بسیاری از روایات بدان اشاره شده است.

هم‌چنین طبق قاعده‌ی عقلی تقدیم اهم بر مهم - که در تراحم مصالح بدان استناد می‌شود - در مواردی که مصلحت یا مفسده‌ی پوشیدن لباس شهرت بر



طرف مقابلش فائق آید لازم است بنا بر اهم عمل نمود که در مورد تفوق مفسده، حکم به حرمت و در مورد تفوق مصلحت، حکم به جواز پوشیدن لباس شهرت می‌شود.

اگر لباس شهرت موجب هتک حرمت و خواری فرد و اهانت به شخصیت و شأن وی شود و زمینه را برای شیوع فساد در جامعه و ریاکاری و عجب و تکبر و افتخار نابجا و به رخ دیگران کشیدن و شکستن قلب فقرا و پایین دستان فراهم آورد پوشیدن آن به فتوای مشهور فقها بنا بر احتیاط واجب جایز نمی‌باشد و چنین لباسی در روایات، مبعوض نزد خداوند و مورد مذمت واقع شده است.

اگر لباس شهرت موجب احیای ارزش‌ها مثل ساده زیستی، زهد، تقوی و ... و رعایت ضعفا و رسیدگی به زیردستان و الگوی صلاح و خیر باشد پوشیدن آن به تأیید عقل و نقل جایز است. این جواز ممکن است در مواردی به حدّ وجوب برسد یا بنا بر شرایطی در حد استحباب یا کراهت باقی بماند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. «یا بنی آدم قدأنزلنا علیکم لباساً یواری سواًتکم و ریشاً و لباس التقوی ذلک خیر ذلک من آیات الله لعلهم یدفکرون» (الاعراف: ۲۶).
۲. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، مؤسسه دارالهجره، ۱۴۰۹ ق، چاپ دوم، ج ۷، ص ۲۶۲.
۳. «هو الذی جعل لکم اللیل لباساً» (الفرقان: ۵۱).
۴. «هن لباس لکم وانتقم لباس لهن» (البقره: ۱۸۷).
۵. «محمد بن مکرّم (ابن منظور)، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق، چاپ اول، ج ۴، ص ۴۳۱؛ ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۷ ش، چاپ چهارم، ج ۲، ص ۵۱۵؛ لویس معلوف، المنجد فی اللغه، قم: مؤسسه انتشارات دارالعلم، ۱۳۸۲ ش، چاپ اول، ص ۴۰۶.





۶. خلیل بن احمد فراهیدی، همان، ج ۷، ص ۱۴۶؛ اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ ق، چاپ چهارم، ج ۱، ص ۲۵۷.
۷. فراهیدی، همان، ج ۵، ص ۳۴۷؛ جوهری، همان، ج ۲، ص ۶۶۴.
۸. فراهیدی، همان، ج ۴، ص ۲۷۳.
۹. جعفر کاشف الغطاء، کشف الغطاء، اصفهان: انتشارات مهدوی، ج ۱، ص ۲۰۱؛ سید محمد کاظم طباطبائی، العروه الوثقی، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۹ ق، چاپ دوم، ج ۱، ص ۵۷۳؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه معارف اسلامی، امام رضا (ع)، ۱۴۱۸ ق، چاپ دوم، ج ۵، ص ۲۴؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق، چاپ دوم، ج ۶۴، ص ۳۷۴؛ ۱۰. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ق، چاپ سوم، ج ۶، ص ۲۴۲؛ ۱۱. حر عاملی، همان، ج ۱۷، ص ۳۴؛ ۱۲. «ینبغی تقييد لباس الله تعالى ثوب المذله في الآخرة لمن اكتسى ثوب شهره في الدنيا بمن يتعالى بشهرته على الضعفاء و لا ينفعمهم بها بل يشعروهم بذلهم فيجازه الله من جنس عمله باذلاله في الآخرة كما أدل عباده في الدنيا»، شريف رضى، المجازات النبويه، قم: مكتبه بصيرتى، ص ۱۶۴؛ ۱۳. «المراد بثوب الشهرة هو ما يقصد بلبسه الرياء و اظهار الزينه و التزىي بزى لا يشركه فيه احد ليصير بذلك مشهوراً بهذا الزى ليعلم الناس انه أفخر من غيره أو أزهد من غيره و المقصود انه فعل ذلك للتسمع و ان كان ثوباً مرقعاً»، ابن ابى جمهور احسائى، عوالى اللئالى، قم: مطبعه سيدالشهداء، ۱۴۰۳ ق، چاپ اول، ج ۱، ص ۱۵۶؛ ۱۴. «في شرايط لباس المصلى: السابع: أن لا يكون محرماً من جهة خصوص الزى كلباس الرجال للنساء و بالعكس و لباس الشهره البالغه حدّ النقص و الفضيحه و الحاصل أن كلما عرضت له صفة التحريم بوجه من الوجوه لاتصح به الصلاه على الأقوى»، جعفر كاشف الغطاء، همان، اصفهان: انتشارات مهدوی، ج ۱، ص ۲۰۱؛ ۱۵. «يحرم لبس لباس الشهره اذا استلزم الهتك»، سید محمد روحانى، المسائل المنتخبه،



- بيروت: مكتبة الايمان، ١٤١٧ ق، ص ١٠٠.
١٦. «يحرم لبس لباس الشهره و هو اللباس الذي يظهر المؤمن في شنعاه و قباحه و فظاعه عند الناس لحرمة هتك المؤمن نفسه و إذلاله اياها»، سيد على سيستاني، *المسائل المنتخبة*، انتشارات مهر، ١٤١٤ ق، چاپ سوم، ص ١١٣.
١٧. «هو الثوب الذي يكون قماشه أو لونه أو خياطته غير متعارفه بالنسبه الى الشخص الذي يريد أن يلبسه و موجه لهتك حرمته»، حسينعلی منتظری، *الاحكام الشرعيه*، قم: نشر تفکر، ١٤١٣ ق، چاپ اول، ص ١٥٥.
١٨. شيخ حسين نوري، *توضيح المسائل*، قم: دفتر تبليغات اسلامي حوزة علميه قم، ١٤٠٦ ق، چاپ چهارم، ص ١٨١.
١٩. «هو الثوب الذي يكون منافياً لشأن مرتديه و زيه»، محمدتقی بهجت، *توضيح المسائل*، قم: انتشارات شفق، چاپ دوم، ص ١٧٤.
٢٠. www.saaqi.net.
٢١. عن ابن ابي عمير عن ابي ايوب الخزاز عن ابي عبدالله (ع) «قال: ان الله تبارك و تعالى ييغض شهره اللباس»، حر عاملی، همان، قم: مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، ١٤١٤ ق، چاپ دوم، ج ٥، ص ٢٤.
٢٢. عن ابي اسماعيل السراج عن ابن مسكان عن رجل عن ابي عبدالله (ع) «قال: كفى بالمرء خزياً أن يلبس ثوباً يشهره أو يركب دابه تشهره»، حر عاملی، همان، ج ٣، ص ٣٥٤.
٢٣. عن محمد بن سنان عن ابي الجارود عن ابي سعيد عن الحسين (ع) «قال: من لبس ثوباً يشهره كساه الله يوم القيامة ثوباً من النار»، محمد بن يعقوب كليني، *الكافي*، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٦٧ ق، چاپ سوم، ج ٦، ص ٤٤٥.
٢٤. عن علي بن الحسن بن علي بن فضال عن ابيه عن ابي الحسن الرضا (ع) «قال: من شهر نفسه بالعباده فاتهموه على دينه فان الله عزّ وجلّ يكره شهره العباده و شهره اللباس»، حر عاملی، همان، ج ١، ص ٧٩.
٢٥. عن حفص بن غياث قال: سمعت ابا عبدالله (ع) «يقول: إن قدرت أن لاتعرف فافعل»، مولى محمد صالح مازندراني، *شرح اصول كافي*، ج ١٠، ص ٢١٠.
٢٦. همان.
٢٧. شريف رضى، *المجازات النبويه*، قم: مكتبة بصيرتى، ص ١٦٤.



۲۸. مولی محمد صالح مازندرانی، همان، ج ۸، ص ۲۵۰.
۲۹. «تفرغوا من هموم الدنيا ما استطعتم فانه من أقبل على الله تعالى بقلبه جعل الله قلوب العباد منقادہ الیہ بالوئد و الرحمہ و كان الله الیہ بكل خیر أسرع»، محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، دارالحدیث، چاپ اول، ج ۲، ص ۱۵۳.
۳۰. «کفی بالمرء من الاثم أن یشارالیہ بالاصابع قالوا یا رسول الله و ان كان خیراً؟ قال و إن كان خیراً فهو شرّ له الا من رحمہ الله و إن كان شرّاً فهو شر»، محمد محمدی ری شهری، همان، ج ۲، ص ۱۵۲.
۳۱. «الشهره خیرها و شرّها فی النار»، محمد بن یعقوب کلینی، همان، دارالکتب الاسلامیہ، ۱۳۶۷ ق، چاپ سوم، ج ۶، ص ۴۴۵.
۳۲. عن محمد بن یحیی عن حماد بن عثمان قال: «كنت حاضرّاً عند ابی عبد الله (ع) اذ قال له رجل: أصلحك الله ذكرت أن علی بن ابی طالب (ع) كان یلبس الخشن یلبس القمیص باربعه دراهم و ما اشبه ذلك و نری علیک اللباس الجدید؟ قال فقال له: إن علی بن ابی طالب (ع) كان یلبس ذلك فی زمان لا ینکروا لو لبس مثل ذلك الیوم لشهربه فخیر لباس کل زمان لباس اهله»، محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۶، ص ۴۴۴.
۳۳. جعفر کاشف الغطاء، همان، اصفهان، انتشارات مهدوی، ج ۱، ص ۲۰۱؛ ملا احمد نراقی، مستند الشیعه، قم: چاپ ستاره، ۱۴۱۵ ق، چاپ اول، ج ۴، ص ۳۸۵؛ محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، دارالکتب الاسلامیہ، ۱۳۶۵ ش، چاپ دوم، ج ۸، ص ۱۴۷؛ سید محمد کاظم طباطبائی، العروه الوثقی، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۹ ق، چاپ دوم، ج ۲، ص ۳۵۱؛ سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۶ ق، چاپ دوم، ج ۱، ص ۱۴۶؛ محمدرضا گلپایگانی، هدایه العباد، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۳ ق، چاپ اول، ج ۱، ص ۱۳۴؛ حسینعلی منتظری، الاحکام الشرعیه، قم: نشر تفکر، ۱۴۱۳ ق، چاپ اول، ص ۱۵۵؛ لطف الله صافی، توضیح المسائل، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۷۵؛ محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، قم: انتشارات مهر، ۱۳۷۴ ش، چاپ هفتم، ص ۱۶۰؛ حسین نوری، توضیح المسائل، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزہ علمیه قم، ۱۴۰۶ ق، چاپ چهارم، ص ۱۸۱.